

پورس

اعمال حاکمیت در مناقشات حسابداری

رهمضانعلی استاجی - کارشناس ارشد بانکی

● الزامات بانک مرکزی در ارائه صورت‌های مالی نمونه از سال ۱۳۹۴، مورد مجادله مدیرمسئول کمیته استانداردگذاری سازمان حسابرسی (به‌طور غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی) قرار گرفته بود. با آنکه به‌موجب قانون پولی و بانکی، قانون تأسیس سازمان حسابرسی و قانون بورس و اوراق بهادار، وظایف بانک مرکزی به‌عنوان مقام ناظر بازار پول و سازمان حسابرسی به‌عنوان مقام استانداردگذار و سازمان بورس به‌عنوان مقام ناظر سرمایه مشخص و منکف شده است، در یک پروپاگاندا غیر حرفه‌ای شبکه‌ای و بانکی صورت برخی افراد بی‌نام‌ونشان که سودای شهرت دارند ولوله‌ای به‌پاشد تا حاکمیت به‌طور رسمی اطلاعیه‌ای به امضای دو مقام ارشد کشور (وزیر امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی) صادر و به این قیل‌وقال‌ها خاتمه داد. خلاصه آنکه بانک مرکزی به استناد مواد (۳۶ و ۳۷) قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ خود را مجاز دانسته بود تا صورت‌های مالی نمونه بانک‌ها را منتشر و هیئت‌مدیره بانک‌ها را ملزم به رعایت آن کند. مدیرمسئول کمیته تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی دولتی و چند نفر از مدیران ارشد این سازمان (چون سازمان حسابرسی بنیانه علمی پیرامون این موضوع منتشر نکرده بود) نیز مدعی بودند ارائه صورت‌های مالی نمونه بانک‌ها عملاً استانداردگذاری است و حوزه استانداردگذاری از اختیارات سازمان حسابرسی است و آرتاجاکه این صورت‌های مالی نمونه را خلاف استانداردهای حسابداری مصوب می‌دانستند، از اجرای آن خودداری کردند و در شبکه‌های اجتماعی به آن می‌تاختند! در این میان برخی حسابرسان مشهور بخش خصوصی کشور که عضو جامعه حسابداران رسمی ایران نیز هستند با انتشار مقالاتی مدعی شدند اقدام بانک مرکزی وفق مقررات پولی و بانکی از اختیارات بانک مرکزی بوده و ارائه صورت‌های مالی موضوع هیچ‌یک از استانداردهای حسابداری نبوده، بنابراین بانک‌ها موظف هستند دستورات بانک مرکزی را به‌عنوان اهرم حاکمیتی رعایت کنند. البته بودند کسانی که هم به نعل می‌زدند و هم به میخ، در محافل سازمانی طرفدار سازمان و در محافل بانکی دواشته طرفدار بانک مرکزی بودند که عملی غیر حرفه‌ای و نوعی دلال‌مسلكی بوده است. انتشار اطلاعیه بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی یک بار دیگر نشان داد فرایند استانداردگذاری و اجرای ضوابط حسابداری برگرفته از مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور است. بنا به الزامات حاکمیتی ممکن است مورد تجدیدنظر یا حتی نادیده گرفته شود. این عمل در جهان پیشرفته نیز سابقه داشته است. پس از بحران انرون و در سال‌های ۲۰۰۸ وقتی حرفه درباره استانداردهای موجود آمریکا در سردرگمی فرو رفته بود کنگره آمریکا با ورود به قضیه و تصویب قانون سارنزاکسلی از یک طرف و طرح موضوع «Make to Mar» (MTM ket عملاً به حوزه اختیارات FASB و بورس ورود کرده و FASB ناچار به ارائه راهکار دراین‌باره شد. همان‌طورکه نهاد استانداردگذار ایران نیز همین چند سال پیش (۱۳۸۹-۱۳۹۰) با توجه به تمایل دولت قبلی برخلاف استانداردهای حسابداری درباره اعمال تغییر نرخ ارز با ارائه راهکار سیاسی و نه حرفه‌ای از دولت وقت تمکین کرد و همین مدعیان فعلی استقلال حرفه لب از لب باز نگشوند. موضع‌گیری سازمان بورس اوراق بهادار ایران به‌عنوان مقام ناظر بازار سرمایه – که قاعداً باید با بازار پولی هم‌سوپی و هم‌پوشانی داشته باشد- نیز از لابی‌گری برخی مسئولان این سازمان با برخی مدیران نهاد استانداردگذار حکایت می‌کرد که به‌تازگی نموده‌ای آن در گزارش حسابرسی یکی از شرکت‌های خودرویی نمایان شده و پس از انعکاس در شبکه‌های اجتماعی مقام ناظر بازار سرمایه به آن ورود کرد؟! گفته می‌شود همراهی این دو نهاد از سال‌های ۱۳۹۳ پس از انتشار گزارش‌های تجدید ارزیابی در صنعت خودرو باعث هم‌سوپی مقام ناظر بازار سرمایه با نهاد استانداردگذار، درباره صورت‌های مالی بانک‌ها شده بود که توجه وزیر جدید امور اقتصادی و دارایی را بدان جلب می‌کند. البته در شرایط نابسامان اقتصادی فعلی هر شخصی می‌تواند مشکلات را متوجه تحریم، دولت قبلی، این یا آن شخص حقیقی و حقوقی کند، اما چنانچه کارگروه خاصی از طرف متولیان اقتصاد کشور برای پیگیری این موضوع و اتفاقات سه‌ساله اخیر دوست تشکیل شوند، شاید به نتیجه حیرت‌انگیزی دست یابند و دست‌نایبانی سایه در بازار پول و سرمایه مشخص شود؛ زیرا حداقل نشانه‌هائی وجود دارد که برخی مدیران یکی از نهادهای دولتی توانسته بودند بسا واگذاری کار دست دوم به اشخاصی حقیقی که نقش چماق‌به‌دست را در شبکه‌های اجتماعی داشتند، بر بانک مرکزی و مخالفان خود اقدام و جو هباهو و جنجال را در حرفه مسئولی کنند. بنابراین وزارت امور اقتصادی و دارایی باید به واحدهای زیر مسئولیت خود توجه بیشتری مبذول دارد تا هر واحدی نتواند براساس اجتهاد من‌درآوردی اساس حاکمیت نظام پولی کشور را به نفع تاریخانه‌های اقتصادی زیر سیل ببرد!

شرق: نابرابری، شکاف طبقاتی؛ واژه‌هایی که این روزها دیگر ناآشنا نیست. رشد نابرابری در جامعه به واسطه بسترهای ناکارآمد اقتصادی و گسترش فساد، اکنون تعداد بالایی از افراد جامعه را به زیر خط فقر کشانده و در مقابل، طیف معدودی از نزدیکان به شبکه رانته و فاسد را به نان و نوابی رسانده است. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد دهک ثروتمند جامعه (دهک دهم) نسبت به دهک اول ۱۵ برابر هزینه‌شان بیشتر شده است. ضریب جینی ۰۴۰۴۶ درصدی در سال ۹۵، مؤید این شکاف عظیم است که از سال ۸۶ به این سو، شکافی بی‌سابقه بین دو سر طیف دهک‌های اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد. وحید شقاقی شهری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» سه عامل را به‌عنوان ریشه‌های اصلی گسترش این شکاف معرفی می‌کند؛ کارکرد نظام بانکی به نفع طبقه مرفه، رانت و فساد سازمان‌یافته و ناموفق بودن دولت یازدهم در اجرای سیاست‌های حمایتی از طبقه پایین‌دست. به گفته این اقتصاددان در مقابل اینها، دولت تلاش کرد سه ابزار را به کار گیرد تا از این شکاف طبقاتی بکاهد، اما موفق نشد. سه ابزار مالیات بر سود سپرده، مالیات بر مسکن خالی و مالیات بر مجموع ثروت و درآمد. او علت ناکارآمدی این سیاست‌ها را این‌گونه برمی‌شمرد: «طبقه ثروتمند با ابزار فساد جلوی تصویب این ابزارها را می‌گیرند. هر دولتی هم که به سمت این کار می‌رود، متأسفانه منحرف می‌شود». این اقتصاددان هشدار می‌دهد: «اگر این امر تداوم داشته باشد، اقتصاد ایران با عدم تحرک طبقاتی مواجه خواهد شد».

● بانک مرکزی اخیراً آماری را ارائه داده که نشان می‌دهد ضریب جینی به ۰۴۰۴۶ درصد رسیده است. این رقم بدترین ضریب جینی از سال ۸۲ به این سو محسوب می‌شود که مؤید شکاف طبقاتی و نابرابری گسترده در جامعه است. این پدیده در اقتصاد ایران به چه معناست و تا چه اندازه می‌تواند مهلک باشد؟

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که واقعا می‌تواند اثرات اقتصادی- اجتماعی را بر جامعه تحمیل کند، نابرابری و شکاف طبقاتی است. شاید در کنار بحث رشد و توسعه اقتصادی، بعد عدالت و برابری یکی از ارکان اصلی هر اقتصادی بوده. اکنون بیش از ۸۰ درصد از اقتصاد ایران دولتی است. دولتی در خصوصی‌ترین نهادها هم حضور دارد و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دخیل است. ضریب جینی ۰۰۴ درصد در حالی در اقتصاد ایران خودنمایی می‌کند که اقتصاد ایران دولتی است. انتظار می‌رود در آزادترین اقتصادها به دلیل ماهیت آن اقتصاد، نابرابری‌ها بیشتر باشد، اما ضریب جینی به‌عنوان یکی از متغیرهای نشان‌دهنده نابرابری، حتی در آزادترین اقتصادها یعنی کشورهای که نظام سرمایه‌داری دارند با نظام‌شان لبریزال (اقتصاد آزاد) است. بین ۰۰۴ تا ۰۰۴۵ است. این پدیده‌ای بسیار قابل تأمل است که باید به آن توجه شود. توجه به بحث کاهش نابرابری و جلوگیری از جنبش‌های اعتراضی مردم در عمده کشورهای دنیا رایج شده و چندین سال است دولت‌های مختلف حتی در دولت‌های اقتصاد آزاد متوجه شده‌اند دولت باید نقش ویژه‌ای را در کاهش شکاف طبقاتی ایفا کند، زیرا نابرابری درآمدی ریشه اقتصاد را نابود می‌کند.

اقتصاد

شقاقی شهری در گفت‌وگو با «شرق» از عدم تحرک طبقاتی ناشی از گسترش نابرابری می‌گوید

انحراف دولت‌ها با رانت ثروتمندان

بسیاری از طرح‌هایی که می‌توانست جلوی گسترش نابرابری را بگیرد، به دلیل فشار طبقه مرفه و فساد سیستمی تصویب نشد



● چرا سال ۹۵، با افزایش ضریب جینی مواجه شدیم؟

علل مختلفی دارد. متأسفانه نظام بانکی ما در این چهار سال عمداً به‌نفع طبقه ثروتمند کار کرد. کسانی که سپرده‌های بانکی کلان داشتند که حدود ۲۰ درصد جامعه ما بودند، از نظام بانکی در چهار، پنج سال گذشته منتفع شدند. نظام بانکی در چهار سال اخیر سود بالای ۲۰ درصد بدون ریسک داده و این امر نشان می‌دهد که این قشر از جامعه بدون تلاش و بدون ریسک به ثروت‌شان ۲۰ درصد اضافه شده. ما حتی شاهد پرداخت سودهای ۳۰ درصدی هم بودیم. دومین مورد، فساد و رانت است. هرچه میزان فساد در اقتصاد بیشتر و سازمان‌یافته‌تر شود، به‌نفع طبقه مرفه خواهد بود. سومین عامل ایجاد شکاف طبقاتی، این بوده که دولت یازدهم در حوزه حمایت‌های مختلف از طبقه پایین‌دست، خیلی توانست کارهای خاصی انجام دهد. مسکن اجتماعی طرحی بود که در وزارت راه مطرح شد و متأسفانه اجرا نشد. طرح مسکن مهر مشکلاتی در گذشته داشت و این دولت هم به مشکلات واقف بود اما آن هم سروسامان نیافت. با توجه به تورم ۳۵ درصد سال ۹۱، بارانه‌ها مکانیسم و ابزار لازم را ندارد. از طرف دیگر رکود بخش مسکن و مشکلات اقتصادی باعث شده نرخ اجاره مسکن در تهران و بسیاری از کلان‌شهرها، سال قبل بین ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش یابد. سهم مسکن در سبد مصرفی خانوارها ۳۵ درصد است و وقتی اجاره مسکن ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد، فشار سنگینی به طبقه فرودست وارد می‌شود. اگر واقعا دولت دست به اصلاحات ساختاری و تصمیمات سخت نزند، در آینده قطعاً گرفتار خواهیم شد. متأسفانه اصلاحات به دلیل فساد جلو نمی‌رود. اول اینکه وزیر راه مدام گفت ۲۵۰ میلیارد دلار مسکن خالی داریم، یعنی معادل هزار هزار میلیارد تومان. ولی دو، سه بار خیز برداشتنده که مالیات بر مسکن‌های خالی را اجرا کنند که متأسفانه فساد اجازه این کار را نداد. در مجموع به خاطر بحث فساد و فشار طبقه مرفه این طرح تصویب نشد. الان ۱۰، ۱۵ سال است که مالیات بر مجموعه ثروت و درآمد در مجلس تصویب نمی‌شود. یا دولت نمی‌فرستد یا در مجلس متوقف می‌شود. حرف بیکنی این بود که اگر می‌خواهیم جلوی نابرابری را بگیریم، باید به سمت مالیات فراینده از طبقه مرفه برویم. این یکی از ابزارهایی است که می‌توانست جلوی

با عرضه محصول هایما اس۵ محقق می‌شود؛

افزایش سهم ایران خودرو از کراس‌اوورهای بازار



شده و سپس با چرخشی معکوس به سمت

گلگیرهای عقب امتداد یافته است. این سبک طراحی به زیبایی نمای جانبی خودرو افزوده و حالتی اسپرت به آن بخشیده است. همچنین نمای عقب هایما اس۵ نیز زیبا و عامه‌پسند طراحی شده است.

کراس‌اوور جدید هایما، دارای شش ایریک است و پنج ستاره‌ای ایمنی را از بنیاد تست تصادفات این کشور کسب کرده است.

دوربین ۳۶۰ درجه با امکان رؤیت نقاط کور، ترمز ضدقفل ABS، سیستم توزیع متعادل نیروی ترمزEBD، سیستم کنترل پایداری الکترونیکی ESP، سیستم کمکی حرکت در سربالایی، سیستم کنترل کشش، قطع خودکار سوخت هنگام تصادف و بازشدن خودکار قفل درها، امکان خروج از صندوق عقب در مواقع اضطراری، دیگر امکانات هایما اس۵ توربو هستند که بر سطح ایمنی این خودرو افزوده است.

هایما اس۵ با مشخصات فنی و ظاهری و تجهیزات مدرنی که در اختیار دارد، رانندگی مطلوب و ایمنی را برای راننده فراهم می‌کند. این خودرو با دارابودن طراحی مدرن، زیبایی، ایمنی و تجهیزات روز دنیا می‌تواند به‌عنوان محصولی متفاوت مورد توجه مشتریان قرار گیرد.

ازجمله امتیازات ظاهری این خودرو می‌توان به طراحی کنسول آن اشاره کرد. طراحی کنسول وسط به‌گونه‌ای است که فضای بیشتری را برای پاها در صندلی جلو فراهم می‌کند و همچنین صندلی‌های برقی و چرمی هایما اس۵ رانندگی

شکاف طبقاتی را بگیرد که متأسفانه به خاطر فساد تصویب نمی‌شود. مورد دیگر، مالیات بر سود سپرده‌ها بود که آقای طیب‌نیا دو، سه بار خواست این طرح را تصویب کند که شاهد بودید تصویب نشد. خیلی از طرح‌هایی که می‌توانست جلوی گسترش نابرابری را بگیرد به دلیل فشار طبقه مرفه و فساد سیستمی متأسفانه تصویب نشده است. اینها اصلاحات اولیه است. من خط فقر را برای کشور حساب کرده‌ام. خط فقر به این معنی است که شما حداقل استانداردهای زندگی را داشته باشید. برای یک خانواده سه تا چهار نفره خط فقر ماهانه سه تا ۳،۵ میلیون تومان است. در تهران و کلان‌شهرهایی نظیر تهران با حداقل امکانات خط فقر بین ۴،۵ تا پنج میلیون است. در تهران روزانه یک خانوار سه، چهارنفره ۵۰ هزار تومان هزینه خوراک ساده‌اش است که ماهانه ۱،۵ میلیون تومان می‌شود. ۱،۵ میلیون تومان هم هزینه مسکنش است که با خانه‌ای ۵۰متری خریده و ماهانه قسط می‌پردازد. اکنون اجاره یک متر در تهران حداقل یک میلیون و تا ۲،۵ میلیون افزایش دارد. اگر شما بخواهید واحدی ۵۰متری را در تهران رهن کنید در بدترین نقطه، ۵۰ میلیون تومان باید بپردازید. سایر اقلام مثل سلامت و هزینه مدارس دولتی و جابه‌جایی در داخل تهران هم اگر محاسبه کنیم، به رقم ۴،۵ میلیون تومان برای خط فقر در تهران می‌رسیم. متوسط حقوق در تهران اکنون برای یک خانوار اگر یک نفر کار کند، بین ۲،۵ تا سه میلیون تومان است. تمام کارمندان و کارشناسان ایران حقوقشان بین ۲،۵ تا سه میلیون است، بخش خصوصی حتی کمتر است. در مجموع اگر یک نفر در خانواده کار کند، خط فقر حدود ۴،۵ تا پنج میلیون و متوسط درآمد حدود سه میلیون است. فرض کنید سالانه ۱۰ درصد حقوق‌ها بالا برود و ۱۰ درصد هم هزینه‌ها افزایش داشته باشد که خوشبینانه است، در پنج سال آینده باید بین ۲،۵ تا سه میلیون تومان از سرمایه‌خودشان به زندگی تزریق کنند که بار سنگینی را ایجاد می‌کند. مثلاً الان حقوق شما سه میلیون تومان است، پنج سال بعد حقوقتان سه‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد شد، اما در مقابل، هزینه‌های زندگی‌تان هفت میلیون تومان خواهد بود.

● وضعیت نابرابری در ایران از گذشته تا امروز چگونه بوده؟ آیا تاکنون به چنین مرزی رسیده بودیم؟

ضریب جینی در سال ۵۶ تا حدود مرز ۰۰۵ رسید. یکی از دلایل مهم به‌وقوع‌پیوستن انقلاب بحث انباشت ثروت در دست یک عده خاص و گسترش شکاف طبقاتی و نابرابری بود. از طرف دیگر نسبت ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر به بیش از ۳۰۰ درصد رسیده بود. بعد از انقلاب، سیاست‌های تثبیت مثل نظام پولیولیسیم یا نظام چوندتس‌رزی از که نقش پررنگ دولت در اقتصاد را نشان می‌داد، تا حدودی توانست جلوی نابرابری را بگیرد. در ضمن هنوز بحث فساد و رانت در اقتصاد هم گسترش پیدا کرده بود و تمام تلاش‌های دولت آن دوران، به انضمام اینکه همچنان نظام اقتصاد ایران از منظر فساد سالم‌تر بود، نابرابری کمتر شد. به مرور روندهای مختلفی داشتیم اما اخیراً که آمار را ملاحظه می‌کردم، اقتصاد ایران با دو پدیده مواجه شده که اگر اینها خوب ریشه‌یابی نشوند، شاهد ناامیدی خواهیم بود.

ا ادامه در صفحه ۷

دریچه

انتخاب متهورانه

مستوره اشراقی - پژوهشگر اقتصادی

● در تحلیل موقعیت این روزهای اقتصاد، پرسشی که قطعاً پاسخخی چندوجهی خواهد داشت، این است که در شرایط کنونی سرمایه‌ها باید به کدام بازار سرازیر شوند؟ بدیهی است که وظیفه اصلی شاخص‌های اقتصادی سیگنال‌دادن به سرمایه‌گذاران برای فرم‌دهی نحوه سرمایه‌گذاری است؛ اما در شرایط نوعی آشفتگی رنج ببرند که این معضل در کنار سایر مشکلات، باعث پریشانی و سردرگمی شده و اتمسفر اقتصاد را ملتهب و نامطمئن کرده است. باید بپذیریم در ساختار سنتنی اقتصاد کشورمان که روش‌های نوین کسب درآمد یا راه یافتن‌اند یا در خوشبینانه‌ترین حالت هنوز پا نگرفته‌اند، تنها چند بازار مسکن و ساخت‌وساز، سرمایه و بورس و در نهایت بازارهای ارز و طلا پیش‌روی سرمایه‌گذاران قرار دارند که البته هیچ‌کدام چندان جذاب و پربازده نمی‌نمایند. هرچند بازار مسکن نشانه‌هایی از رونق را از خود بروز داده است؛ اما همچنان درگیر رکود است؛ رکودی که اگر بخواهیم خلاصه بگوییم، در بی کاهش درآمد‌های نفتی شکل گرفت و با سیاست‌های انقباضی پولی ادامه یافت. به گواهی آمارهای مستند و در پی رکود تولید و بی‌کاری، شاخص تقاضای کل به‌طور در‌خور ملاحظه‌ای کاهش یافته است؛ ازاین‌رو تنها راه‌احل غیرتورمی معضل زنجیره تولید و به تعبیری «نسخه بی‌چون و چرای اقتصاد ایران» از مطالعه روی بازارهای هدف صادراتی و از بستر تحرک صادرات می‌گذرد و این در حالی است که صادرات غیرنفتی به‌تبع افزایش هزینه‌ها، کاهش تولید و کاهش سهمیه از تسهیلات بانکی محدود شده و بازار بورس کالاها و خدمات کم‌ویش فعال است؛ اما از آنجا که همواره با اماورگ‌هایی همراه بوده است، تاکنون توانسته درصد بالایی از اطمینان سرمایه‌های کشور را به سمت خود جلب کند و در نهایت بازار ارز، هم به دلیل کنترل‌های مصنوعی و هم به دلیل ساختار کوتاه‌مدت و ویژه‌ای که دارد، به‌تازگی پایگاه مطمئنی برای سرمایه‌های سرگردان نبوده است. اگر همه اینها را کنار تنش‌های اخیر سود بانک‌ها و تورم تک‌رقمی بگذاریم که برای افزایش ثبات مدتی است تعلل می‌کند، باید به جواب محتومی برسیم. به نظر می‌رسد برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها نباشد، وقت آن رسیده که دولت متهورانه موقعیت استراتژیک کنونی را مانند نظریه بازی‌ها مدل‌سازی کرده و بین گزینه‌های موجود، راهبرد بهینه را انتخاب کند. در این میانه اما به یاد داشته باشیم که نقدبنگی بانک‌ها باید به نحوی مدیریت شود؛ ضرورتی که هرچه به‌تأخیر بيفتد، زیان‌های عمیق‌تری به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، اگر سود بانکی در عمل و در حد چشمگیری کاهش یابد، قیمت‌ها در بخش مسکن ناگزیر تحرک می‌شوند و سرمایه‌ها در آن معبر آرام می‌گیرند؛ هرچند نرخ تورم به یقین تحت‌تأثیر این دو قرار خواهد گرفت. همچنین شاید تنها راه‌حل مشترک افزایش صادرات غیرنفتی و کسری بودجه در کنار مانورهای ناچیزی که در حوزه‌های مالیاتی قابل اجرا خواهد بود، سرکوب‌کردن نرخ ارز باشد؛ هرچند با وقفه زمانی بر قیمت کالاهای وارداتی، شاخص قیمت‌ها و تورم اثرگذار خواهد بود؛ اما در شرایط کنونی گریز‌ناپذیر است. از یاد نبریم تداوم اصرار بر اجرای سیاست‌های انقباضی پولی شاید دیگر به‌صلاح نباشد.

خبر

تصمیم دولت برای کاهش بودجه دستگاه‌های ملی

● بر اساس اعلام معاون رئیس‌جمهور، بودجه ۹۷ با تغییرات گسترده‌ای مواجه بوده و در صورت تصویب از سوی مجلس، اختیارات بودجه‌ای سازمان‌های برنامه و بودجه استانی افزایش و منابع در اختیار وزارتخانه‌ها کاهش می‌یابد. به گزارش تسنیم، هفته گذشته یکی از نمایندگان مجلس به بخش‌هایی از جلسه غیرعلنی مجلس با رئیس سازمان برنامه و بودجه درباره بودجه‌ریزی سننولی و تغییرات اساسی مدنظر دولت برای نظام بودجه‌ریزی اشاره کرد. بر اساس گفته‌های پورمختار، در بودجه ۹۷ اختیارات استان‌ها و وزارتخانه‌ها در تخصیص اعتبارات با تغییرات گسترده‌ای مواجه خواهد شد. پورمختار با اشاره به اینکه در حال‌حاضر ۸۵ درصد بودجه‌ها در اختیار وزارتخانه‌ها و ۱۵ درصد در اختیار استان‌هاست، گفته بود برای سال آینده تصمیم گرفته شده این روند بالعکس شود، بر مبنای این بودجه، پروژه‌های ناتمام جزء اولویت‌ها خواهند بود. هرچند این اظهارنظر عضو کمیسیون حقوقی مجلس چندان جدی گرفته نشد، اما شب گذشته رئیس سازمان برنامه و بودجه تلویحاً این نظر را تأیید کرد و گفت: در سال آینده، استان‌ها اختیارات بیشتری در تخصیص اعتبارات بودجه‌ای خواهند داشت. رئیس سازمان برنامه و بودجه با انتقاد از نظام بودجه‌ریزی فعلی کشور گفته بود در این نظام، مدیران یک دستگاه به سازمان برنامه مراجعه می‌کنند و علاوه بر افزایش معمول ۱۰ درصدی بودجه، برای محقق‌شدن طرح‌های سال بعد خود درخواست افزایش منابع بیشتری دارند. این در حالی است که ما باید بودجه دستگاه‌ها را صفر در نظر بگیریم و بعد از ارائه طرح‌های اجرایی دستگاه‌ها، منابع مورد نیاز را به آنها تخصیص دهیم.